

۹ نفر در آتش‌سوزی بیمارستان رشت جان باختند

آتش به جان بیماران

ساعت یک‌ونیم به‌امداد سه‌شنبه، بیمارستان قائم رشت، دچار آتش‌سوزی شد؛ آتشی که جان ۹ نفر از بیماران بخش آی‌سی‌یو را گرفت و منجر به انتقال ۱۱۸ بیمار به دیگر بیمارستان‌های این شهر شد. پس از این حادثه، رئیس مجلس شورای اسلامی به کمیسیون بهداشت ماموریت داد تا حادثه بیمارستان رشت را بررسی کرده و گزارش را به مجلس بدهد. در حال حاضر هم دادستانی استان به ماجرا ورود کرده و پرونده قضایی تشکیل داده است.

علت حادثه هنوز مشخص نیست و تاکنون تنها کانون آن شناسایی شده است: «منشا حریق این بیمارستان، اتاقک یو.بی.اس و سرور بود.» این را رئیس سازمان آتش‌نشانی رشت گفت. شهرام مومنی، درباره حادثه توضیح بیشتری داد: «حوالی ساعت ۱:۳۰ بامداد سه‌شنبه، گزارش حریق در بیمارستان قائم به آتش‌نشانی اعلام شد که آتش‌نشانیان دو دقیقه بعد از دریافت خبر در محل حادثه حضور داشتند.

ماموران ماموش‌کننده کردند که بیشترین میزان حریق در بخش تاسیسات بیمارستان است، این در حالی بود که ۱۴۲ بیمار در این بیمارستان بستری بودند که به همین علت وضعیت اضطراری اعلام و درخواست نیروی بیشتری شد.» به گفته او، میزان زیادی دود در طبقات منتشر شده بود، اما حریق فقط در طبقه منفی یک بود. تمام افراد از داخل دود و حریق به سلامت خارج شدند، اما به‌علت بستری بودن برخی بیماران در قسمت آی‌سی‌یو، قطع برق و دود زیاد ۹ نفر از این افراد جان خود را از دست دادند. علت اصلی فوت این افراد قطع برق و انتقال آنها بوده است. او درباره میزان تجهیزات اطفای حریق بیمارستان به رکنا گفت: «بیمارستان قائم و دو مورد دیگر در شهر رشت، حداقل ایمنی از جمله سیستم اعلام حریق، خاموش‌کننده‌های پودری و... را دارند، اما سیستم‌های بازنده در زمانی که این بیمارستان تأسیس شده به آن تعلق نداشت.» رئیس سازمان آتش‌نشانی رشت با اشاره به روند دریافت تأییدیه‌های ایمنی توسط بخش‌های خصوصی دولتی گفت: «بیمارستان‌ها همه‌ساله تأییدیه‌های ایمنی را دریافت و به‌روزسانی می‌کنند و امسال هم جلسات مربوط به ایمنی با رئیس بیمارستان قائم رشت برگزار و قرار شد برخی از نواقص رفع شود که البته هیچ خطاریه مکتوبی برای بیمارستان قائم ارسال نشده است.» براساس اعلام او، بیمارستان قائم حداقل ضوابط ایمنی از جمله سیستم اعلام حریق و خاموش‌کننده‌های دستی و فایرباکس را نسبت به بیمارستان‌های دیگر داشت. پروانه‌ساخته‌های این بیمارستان در سال ۱۳۸۷ صادر شده که در ویرایش جدید آیین‌نامه ایمنی، تمام بیمارستان‌ها مکلف به تعقیب سیستم اطفای حریق شده‌اند. او با اعلام اینکه وضعیت بیمارستان قائم رشت نسبت به سایر بیمارستان‌های این شهر مناسب‌تر است، گفت: «تمام بیمارستان‌ها نواقصی دارند که در بررسی‌های سالانه و پیگیری‌های لازم، برطرف می‌شوند.»

پس از وقوع حادثه، مسئولان وزارت بهداشت هم بررسی‌های فوری را شروع کردند. سعید کریمی، معاون درمان وزارت بهداشت، روز گذشته در بازدید از بیمارستان قائم رشت، با اعلام اینکه ۹ نفر در این حادثه جان باخته‌اند، گفت که ۱۱۸ بیمار بلافاصله پس از حادثه به بیمارستان‌های مختلف شهر رشت منتقل و پذیرش شدند. تعدادی از آنها در بیمارستان‌های رازی و پورسینا بستری شدند، بیماران شرایط باثباتی دارند و ۱۱۸ بستری، در حال حاضر ۹۰ نفر همچنان بستری هستند و مابقی مرخص شدند. به گفته او، پیگیرها تحویل پزشکی قانونی شده تا علت مرگ کاملاً مشخص شود. تیم‌های آتش‌نشانی هم در محل حادثه مستقرند تا علت را پیدا کنند: «تعدادی از بیماران بستری در آی‌سی‌یو به‌واسطه بیماری اولیه و زمینه‌ای شرایط مناسبی نداشتند و به همین علت همچنان در آی‌سی‌یو بستری هستند؛ نه به‌دلیل دودگر فتگی. امیدواریم با پیگیری‌های کادر درمان بهبودی کامل پیدا کنند و مرخص شوند.»

کریمی با بیان اینکه بخش آی‌سی‌یو در مجاورت محل آتش‌سوزی قرار داشته، توضیح داد: «آتش‌سوزی در داخل آی‌سی‌یو اتفاق نیفتاده و دودگر فتگی داشتیم و دود ناشی از حریق وارد این بخش شده است؛ البته پزشکی قانونی باید علت مرگ را مشخص کند. با این حال بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد که فوتی‌ها بر اثر سوختگی نبوده است.» به گفته او، دودگر فتگی وسیع بود و آتش‌سوزی در قسمت سرور و یو.بی.اس. رخ داده و باید تعمیرات لازم انجام شود و سازمان آتش‌نشانی بررسی‌های کامل را انجام دهد تا بیمارستان دوباره پروانه بگیرد و تأییدیه‌های ایمنی را دریافت کند. سپس به ارائه خدمت ادامه دهد. براساس اعلام این مسئول در وزارت بهداشت، بیمارستان قائم شرایط مناسبی برای شروع خدمت ندارد، در حال حاضر هم دادستانی استان به ماجرا ورود کرده و پرونده قضایی تشکیل داده است. در این میان بهرام عین‌اللهی، وزیر بهداشت هم با اعلام اینکه قصور احتمالی در این حادثه به مراجع قضایی اعلام می‌شود، گفت: «این بیمارستان در سال ۹۴ ساخته شد و مجوز ۱۵۰ تخت داشت. در این حادثه ۱۴۲ بیمار حضور داشتند که به‌علت اتصالی برق که در مجاورت بخش مراقبت‌های ویژه (آی‌سی‌یو) بوده تاکنون ۹ نفر از بیماران جان باخته‌اند و ۵۵ بیمار نیز در بیمارستان‌های دیگر پذیرش شدند.» مجید احمدی، سرپرست روابط عمومی وزارت بهداشت هم در توضیح آخرین وضعیت حادثه آتش‌سوزی در بیمارستان قائم به ایسنا توضیح داد که از ۱۴۲ بیمار بستری در بیمارستان، متأسفانه ۹ نفر جان باخته‌اند و ادامه داد: «سایر بیماران بلافاصله با خودکشتگی پرسنل بیمارستان و همراهی عوامل امدادی به بیمارستان‌های مجاور منتقل شدند و روند درمانی آنها ادامه دارد.»

گزارش میدانی هم‌میهن از شازند، یک روز پس از ریزش معدن شن و ماسه که ۴ کارگر زیر آوارش ماندند

نفس بریده زیر سنگ‌های ۵۰۰ تنی

کارگران معدن می‌گویند کارفرما برای آنها بیمه حوادث رد نکرده است

۳ نفر از کارگران کشته شده بازنشسته بودند

میلیون تن است. قبل از این اتفاقات، ۲۰ تا انفجار زیم و حدود ۲۰ تا ۳۰ متر پایین رفته بودیم که تقریباً حدود ۸۰۰ هزار تن بار در آن جا می‌شود. حالا علاوه بر اینکه این حجم پرشده، دو برابر بار جدید هم آوار شده که به بالای دومیلیون تن می‌رسد. اگر به آنها هشدار نداده بودم، بایبل می‌رفتند روی نقطه‌ای که کارگرها دفن شده بودند. بعد از این ماجرا تجهیزات و جرتقیل سنگین وزن آوردند، اما به درد نمی‌خورد. فعلاً فقط دوا دارند؛ باید انفجاری ایجاد شود که بار برداشته شود یا اینکه جرتقیل سنگین وزن بیاورند.»

او تعریف می‌کند کارهایی که تا امروز برای آواربرداری انجام شده کاری را پیش نمی‌برد: «اگر یک کارگر صفر به معدن ببرند، بهتر می‌تواند کار کند؛ ولی الان خود من راه نمی‌دهم. آن ریزش باز هم ادامه دارد؛ چون سنگ‌ها رسوبی و لایه‌ای است. من به مهندس ناظر گفته بودم که باید سنگ‌های لایه‌ای را منفجر کنند، سنگ‌های بخش دیگر اما برعکس عمل کرد. از نظر هزینه هم برایشان فرقی ندارد، فقط عجله دارند که زودتر بارشان برسد. کارگری نیست که برده‌داری مدرن است.» او می‌گوید هیچ کدام از کارگران این معدن بیمه حوادث ندارند: «تمام معدن‌های منطقه برای کارگران خود بیمه حوادث رد می‌کنند، به غیر از این معدن. در این هشت‌ساله که اینجا کار کرده‌ام بارها به آنها گفتم که برای ما بیمه حوادث رد کنید، اما اصلاً توجهی نکردند.» اشاره او به ریزش‌هایی است که بعد از آوار ریزش یکشنبه دوباره رخ داد؛ ۲۴ ساعت بعد از حادثه اولیه، حدود حوالی ظهر، یک ریزش دیگر در معدن رخ داد و مشخص نیست که چه میزان سنگ به آوارهای قبلی اضافه شده است.

بیمه من را قطع کردند

کارگران زیادی از روستای حک علیا در معادن اطراف روستا کار می‌کنند. کارگری که از معدن‌های همان منطقه می‌گوید سه سال است به‌دلیل مشکل جسمی که به‌خاطر کار در معدن پیدا کرده، خانه‌شین شده: «آقای ار» تعریف می‌کند: «سه سال است کمرم را عمل کردم، اما حقوقم را ندادند. شش میلیون تومان از آنها طلبکار بودم، سه میلیون تومان را قبل عمل دادند، باقی را بعد از آن؛ الان پلاتین کمرم مشکل پیدا کرده است. بیمه‌ها هم بی‌خبر قطع کردند، کمرم ناهشی است. چه کسی به داد من رسید؟ معدن‌دار کاری کرد؟ هیچ‌کس! از بهزیستی درخواست کردم که برایم از کارافتادگی رد کنند، حتی خود پزشک هم نوشت که او نمی‌تواند کار کند، ولی باز هم بهزیستی برایم هیچ کاری نکرد. الان با این وضع یک دختر در خانه دارم. آن موقعی که روی تخت بودم، بدون اطلاع من بیمه‌ها را قطع کردند. آن موقعی که می‌توانستم شکایت کنم، دیگر فرصت شکایت به اداره کار را از دست داده بودم.»

دستگاه‌ها را از کجا آوردید؟

«آن آقای که آنجا بود، دانش کافی را نداشت. کسی نیست که جوابگوی جان یک پدر باشد. کارگر جماعت همیشه ضعیف است. یک مهندس با دانش نمی‌آوردند.» این بخشی از گفته‌های یکی دیگر از همکاران محمد بوالحسنی است که می‌گوید، تجهیزاتی که از روز یکشنبه برای کمک به آواربرداری و پیدا کردن اجساد آوردند، شخصی است، نه سازمانی دولتی: «همه این وسایلی که آورده‌اند، از معدن‌های اطراف بود. لوازمی که الان آورده‌اند

شد. کوه ریخته! آنهایی که آنجا بودند می‌گویند، انفجاری نبوده است. الان آن همسایه بدبخت کنار ما هم زیر آوار است. از آنها پرسیدم پدربزرگم چند روز است زیر خاک مانده؟ امکانات کجاست؟ تا امروز هنوز کارفرما را ندیده‌ایم و حتی یک رنگ هم نزده است. بیمه (حوادث) هم رد نکرده‌اند.» لایه‌های حرف‌های جمعیت، صدای گریه‌ها از خانه همسایه بلندتر و بلندتر می‌شود. اهالی آن یک‌روز تمام است که خبری بیرون می‌آیند، حالا این بار نوبت گریه در کوچه است: «از همه شهرها بگویند بیایند، بگویند بابای ما گم شده، بگویند کمک کنید برادرمان را پیدا کنند.» آیت‌الله رضایی، ۷۵ ساله و بازنشسته شهرداری بود، او هشت فرزند داشت و در یک خانه استیجاری زندگی می‌کرد. حقوق بازنشستگی او کفاف زندگی را نمی‌داد و باید به کار کردن ادامه می‌داد. با اینکه قبل از شروع به کار مجدد، سه‌سار بازنشسته شده بود. آقای «الف» یکی از همسایه‌های اوست و می‌گوید: «چه کسی می‌تواند با دو میلیون یا پنج میلیون حقوق بازنشستگی زندگی کند؟ مجبور شده دوباره سرکار برود. برای این حادثه ۲۰ لوهر آوردند، اما یکی از آنها سرکار نیست. از چهار کشور خارجی کمک بگیرند، چند روز جنازه‌ها می‌خواهند آنجا بمانند؟ کسی طاقت ندارد. این اتفاق ممکن است دوباره چندسال دیگر رخ دهد. مهندسی، کارشناسی، چیزی. همینجوری بگویی بروزی ماشین بعد تمام شود؟»

از میان این چهار کارگر که زیر آوار ماندند، مجتبی نجفی از همه جوان‌تر بود. او دختر کوچکی دارد که بیمار است و هر ماه باید ویزیت شود و دو میلیون و پانصد هزار تومان بابت آن بپردازد.

۴۰۰ هزار تن یا ۲ میلیون تن؟

«میم» یکی از همکاران محمد بوالحسنی و اپراتور دستگاه است و هشت سال سابقه کار در این معدن را دارد. او تنها کسی است که حاضر است اطلاعات بیشتری بدهد و تعریف می‌کند که نقطه‌به‌نقطه معدن شماره ۵ را می‌شناسد: «قبل از ریزش آوار، ۳۰ متر چاله حفر شده بود، اما بعد از آن ۶۰ متر دیگر روی آن بار اضافه شد. معدن مهندس ناظر دارد، اما کوتاهی کرده است. خود من بارها به او گفتم که از کدام سمت می‌تواند به پیکرها برسد، اما کار خودش را کرد. به او گفتم پول هم به تومی‌دهیم، اجازه بده کار خودمان را انجام دهیم، اما نگذاشت. این سمت از معدن کلاهی لایه رسوبی دارد و ریزش سرور بعد از انفجار بود، اما انفجارها در این اتفاق تأثیر داشت.»

او از معدن شماره ۵ شن و ماسه شهرستان شازند می‌گوید که حالا کسی غیر از نیروهای امدادی اجازه ورود به محوطه آن را ندارند و فقط تجهیزات و ماشین‌های سنگین است که مدام به آن تردد می‌کنند. هلال‌احمر می‌گوید، عملیات پیدا کردن پیکرها ادامه دارد و دستگاه‌های زنده‌یاب هم به منطقه آورده شده‌اند. بعد از گذشت سه روز از این حادثه هنوز دلیل آن روشن نیست و تنها مقام رسمی که دو فرضیه درباره آن مطرح کرده فرماندار شازند، لطف‌الله برنبدین است. او همان روز اول حادثه گفته بود: «دو فرضیه در خصوص ریزش معدن وجود دارد؛ دلیل اول انفجار روز گذشته در این معدن و دلیل دوم رعد و برق‌های سنگین روز جمعه در منطقه بوده که این دو علت به همراه شیب تند کوه باعث وقوع حادثه شده است. البته این منطقه روی گسل هم قرار دارد و بارها تا کید شده که بهره‌برداری رویه از معدن انجام نشود.» او گفته بود که حجم آوار و سنگ‌ها بسیار بالاست؛ تا جایی که برخی سنگ‌هایی که ریزش کرده حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ تن هستند، اما کارگران معدن می‌گویند حجم بار ناشی از آوار بسیار بالاتر است، شاید حدود دو میلیون تن که برای کارفرما نعمت است و به اندازه ۱۰ سال بدون زحمت و هزینه زیاد، برای او بار آورده است. «میم» می‌گوید: «این بار سنگی که آمده، ۴۰۰ هزار تن نیست، دو



سارا سبزی خبرنگار گروه جامعه

صدای «لااله الا الله» در کوچه‌های روستای «حک علیا» پیچیده است و جمعیتی سیاه‌پوش نزدیک مسجد روستا منتظرند پیکر «محمد بوالحسنی» برسد تا او را برای دفن به آرامستان روستا ببرند. جمعیت کم‌کم بیشتر می‌شود و چند دقیقه‌تابوتی چوبی روی دوش مردم به میدان می‌رسد؛ صدای تسلیت‌ها، دلداری‌ها و گریه‌های آرام برای مردی که روز قبل برای کار به معدن شماره ۵ شن و ماسه شازند رفت، اما زیر آوار ماند و عصر همان روز پیکرش پیدا شد. در میان جمعیت صدای گریه چند زن از همه بلندتر است که برای تسلیت به خانواده همکار پدرشان آمده‌اند؛ اعضای خانواده «آیت‌الله رضایی» که او هم زیر آوار معدن ماند، اما هنوز خبری از پیکرش نیست و آنها چشم‌انتظارند؛ درست مثل خانواده مجتبی نجفی، یکی دیگر از کارگران همین معدن که او هم زیر آوار ماند. خواهران «آیت‌الله رضایی» با صدای بلند در میان جمعیت عزاداران برای برادرشان می‌خوانند: «بیرام (برادر) گم شده، ای رومد ای رومد. برام تشنه مرده، برام زنده به گور شده.» قرار است تا دو ساعت دیگر مراسم تشییع دیگری در آبرکاب شازند برگزار شود و این بار این پیکر «نصرت‌الله یارمحمدی» است که روی دوش مردم تشییع می‌شود؛ راننده بیل مکانیکی و همکار این سه نفر که بعد از ریزش آوار، جانش را از دست داد و حالا وقت تشییع است. صبح روز ۲۷ خرداد، حدود دو ساعت مانده به ظهر، معدن شن و ماسه‌ای در جاده اراک به سمت ملایر فرو ریخت و چهار کارگر زیر آوار ماندند؛ دو نفر از آنها راننده کمپرسی و دو نفر راننده بیل مکانیکی بودند. روز حادثه پیکر محمد بوالحسنی و نصرت‌الله یارمحمدی از زیر آوار بیرون کشیده شد، اما هنوز هیچ خبری از مجتبی نجفی و آیت‌الله رضایی نیست. ماشین‌های آواربرداری هنوز در معدن رفت‌وآمد می‌کنند و مسئولانی که در آنجا حضور دارند، می‌گویند همه اقدامات در حال انجام است.

دو ساعت مانده به ظهر، معدن شن و ماسه‌ای در جاده اراک به سمت ملایر فرو ریخت و چهار کارگر زیر آوار ماندند؛ دو نفر از آنها راننده کمپرسی و دو نفر راننده بیل مکانیکی بودند. روز حادثه پیکر محمد بوالحسنی و نصرت‌الله یارمحمدی از زیر آوار بیرون کشیده شد، اما هنوز هیچ خبری از مجتبی نجفی و آیت‌الله رضایی نیست. ماشین‌های آواربرداری هنوز در معدن رفت‌وآمد می‌کنند و مسئولانی که در آنجا حضور دارند، می‌گویند همه اقدامات در حال انجام است.

دوبار به دیوار غم

فاصله معدن شماره ۵ تا روستای حک علیا، ۱۵ دقیقه است؛ ابتدای روستا که بایستی، از دور معدن فرو ریخته دیده می‌شود. خانه بوالحسنی و رضایی دیواربه‌دیوار هم است، روی یک دیوار بنرهای تسلیت زده شده و از خانه دیگر صدای گریه می‌آید. چند ساعت قبل از شروع مراسم تشییع محمد بوالحسنی است و کوچه منتهی به این خانه کم‌کم شلوغ می‌شود. مردان عزادار و سیاه‌پوش، دوست و همکار و اهل خانواده، جلوی در آن جمع شده‌اند؛ خسته، خشمگین و آزرده و کسی تمایلی به حرف زدن و گفتن نامش ندارد: «چه دردی دوامی شود؟ وقتی نتوانی کاری کنی، فقط زخم روی زخم می‌آید.» محمد بوالحسنی ۶۱ ساله و بازنشسته شهرداری بود. یکی از اعضای خانواده او می‌گوید که اگر حقوق بازنشستگی کفاف زندگی او را می‌داد که دوباره سرکار نمی‌رفت، آن هم با هشت میلیون تومان حقوق: «می‌خواهید کمک کنید؟ بروید قلمبرداری کنید و بگویند چند کارگر بدبخت زیر آوار بودند ولی کسی نتوانست از آنها دفاع کند. بگویند امکانات نداشتیم که آنها را زودتر بیرون بیاورند. کارگر همیشه بدبخت است و با این کارها دردی دومی نمی‌شود. حرف من حرف همه مردم بدبخت روزگار است. هیچ‌کس نمی‌داند چه



عکس: ایرنا